تأثیر اعزام صدهزار نفری بر روند جنگ در گفت‌وگوی «جوان» با یک پژوهشگر دفاع مقدس

سپاه محمد می‌رفت تا دژ شرق بصره را فتح کند

ایرنا

■ احمد محمد تبریزی

در حالی که بیش از شش سال از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران می‌گذشت، دهها هزار بسیجی داوطلب از سراسر کشور در قالب بیش از ۲۰۰ گردان با نام سپاه یکصدهزار نفری محمد(ص) عازم جبهه‌های نبرد شدند. این تجمع گسترده در روز ۱۲ آذر ۱۳۶۵ انجام شد و اتفاقی بی‌سابقه در تاریخ جنگ بود. فضای داخلی کشور در ماه‌ها پیش متأثر از این اعزام گسترده بود و دشمن بعثی و دیگر کشورها نیز با دقت این اعزام را زیر نظر داشتند. اعزام سپاه محمد(ص) به جبهه‌های جنوب، یک ماه بعد با انجام دو عملیات کربلای ۴ و ۵ همراه بود. «ابوالقاسم حبیبی» از پژوهشگران دفاع مقدس، وقایع قبل از عملیات کربلای ۴ را به صورت روزشمار در کتابی منتشر کرده است و حالا در گفت‌وگو با «جوان» از فضای عمومی کشور، وضعیت جبهه‌ها و شرایط دشمن در آن زمان می‌گوید.

پروسه آماده‌سازی و سازماندهی نیروها برای اعزام تجمع صدهزار نفری ورزشگاه آزادی تهران که در ۱۲ آذر ۱۳۶۵ صورت گرفت، از چند ماه قبل شروع شده بود؟

این کار از پنج، شش ماه قبل و از اردیبهشت ۱۳۶۵ شروع شده بود. دستور داده بودند مراکز بسیج در استان‌ها و از مناطق مختلف کشور شروع به آماده‌سازی جهت جذب نیرو کنند و از شش ماه قبل تمهیداتی برای اعزام نیروها اندیشیده شده بود. رزمندگان صبح ۱۲ آذر ۱۳۶۵ از استان‌های مختلف به سمت تهران آمدند و در ورزشگاه آزادی تجمع کردند و این مراسم چند ساعتی به طول انجامید. در اصل این تجمع برای آماده‌سازی نیروها جهت اجرای عملیات کربلای ۴ انجام می‌شد. آن روز رئیس‌جمهور و رئیس مجلس سخنرانی و نیروها پس از برگزاری این مراسم به سمت جبهه‌های جنوب حرکت کردند. با پایان مراسم، رزمندگان در بعدازظهر آن روز به سمت جبهه‌های جنوب حرکت کردند. البته برای امنیت و پوشش هوایی مراسم از قبل اقداماتی در نظر گرفته شده بود تا دشمن کاروان نیروهایمان را بمباران نکند.

این جذب نیروی گسترده فضای عمومی کشور را هم تحت تأثیر قرار داده بود؟

برنامه‌ریزی‌ها و خبرها برای این آماده‌سازی گسترده در بعد نظامی و سیاسی از چند ماه قبل در داخل و خارج کشور پوشش داده می‌شد و بازتاب زیادی داشت. تلاش همه جانبه در خصوص آماده‌سازی نیرو و آمادگی تسلیحاتی رزمندگان فضای عمومی کشور را دربرگرفته بود. از ماه‌ها قبل تبلیغات گسترده‌ای در سراسر کشور انجام شده و در روستاها هم این تبلیغات گسترش پیدا کرده بود. تبلیغات فراگیر و عجیبی برای جمع کردن نیروها شده بود. بیشتر صحبت‌ها هم مبنی بر این بود که این آخرین اعزام خواهد بود و قرار است یک عملیات سرنوشت‌ساز صورت بگیرد و نیروها با این شعار آماده می‌شدند. من از ابتدای آن سال تبلیغات زیادی می‌دیدم که ما دنبال عملیات سرنوشت‌ساز هستیم. نیروها جمع شدند و بعد به سمت منطقه رفتند. البته پس از ناکامی در عملیات کربلای ۴ در دی ماه همان سال آن نیروهای اعزامی برای انجام عملیات بعدی همانجا ماندند. چون از تمام نیروها در عملیات کربلای ۴ استفاده نشده بود. یکی از دلایلی که فرماندهان عملیات کربلای ۵ را سریع انجام دادند همین بود که ماه‌ها طول کشید نیروها را جمع و سازماندهی کنند و الان که عملیات انجام شده و در آن موفق نبوده‌ایم اگر بخواهیم نیروها را به عقب بفرستیم و دوباره بخواهیم این تعداد نیرو را جمع کنیم چندین ماه به طول خواهد انجامید. پس بنابراین خیلی سریع عملیات بعدی طراحی شد تا از نیروهای منطقه استفاده شود.

پیش از این تجمع صد هزار نفره، سابقه چنین تجمعی در تاریخ دفاع مقدس وجود داشت؟

تا آن زمان به این صورت چنین تجمع نیروی گسترده‌ای سابقه نداشت. این اولین تجمع گسترده در طول دفاع مقدس بود و دومین تجمع مدتی بعد تحت عنوان سپاه مهدی برگزار شد که جزئیات آن در خاطرم نیست.

این تجمع گسترده فضای خبری و افکار عمومی دشمن و کشورهای دیگر را تحت پوشش قرار داد؟

بله، برای این اعزام ستادی تشکیل شده بود و در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کرد. جلسات زیادی در مناطق مختلف کشور برگزار می‌شد و همه چیز نشان از سازماندهی گسترده نیرو در کشور داشت. همچنین این فعالیت‌ها، تجمع‌ها و جلسات در داخل کشور بازتاب زیادی داشت. در رسانه‌ها، اطلاعیه‌ها، محافل‌های رسمی و غیررسمی مختلف از نیروها برای ثبت‌نام دعوت می‌کردند و مدت چند ماه فضای تبلیغاتی سراسر کشور را به خودش جلب کرده بود. رسانه‌های داخلی خودمان مثل رادیو و تلویزیون این اخبار و وقایع را پوشش می‌دادند و منعکس می‌کردند و دشمن و کشورهای دیگر هم این بازتاب‌های خبری و فضای تبلیغاتی را بررسی می‌کردند. اتفاقات داخل کشور تأثیرش را در رسانه‌های خارجی هم گذاشته بود و آنها با توجه به اخبار داخلی می‌گفتند ایران دنبال یک اعزام نیروی بزرگ است و برای اینکه عملیات سرنوشت‌ساز انجام دهد و جنگ را به سرانجام برساند اقدام به جمع‌آوری گسترده نیرو کرده است. یکی از دلایلی که ما در عملیات کربلای ۴ موفق نبودیم به همین آمادگی دشمن برمی‌گردد. اگر بخواهیم عدم‌الفتح عملیات کربلای ۴ را در ابعاد مختلف بررسی کنیم یکی از مواردش همین تجمع است. هنگام انجام عملیات کربلای ۴ عراقی‌ها کاملاً آماده بودند و به هیچ عنوان در منطقه غافلگیر نشدند. وقتی ما عملیات را انجام دادیم عراق در آمادگی کامل به سر می‌برد و با تیربار و سلاح‌های مختلف رزمندگان را به رگبار بست. بعثی‌ها کاملاً در جریان انجام این عملیات بودند. وقتی نیروها با انواع ماشین‌های مختلف مثل کامیون و اتوبوس به جبهه‌ها می‌رفتند آنها دیده‌بان داشتند و کاملاً ترددها را می‌دیدند. وضعیت تردد نیروها به گونه‌ای بود که جبهه‌های جنوب به سمت آبادان و بهمنشیر کاملاً ترافیک شده بود. وقتی شما این همه نیرو را به سمت آبادان و بهمنشیر اعزام می‌کنید دکل‌های دیده‌بانی عراق همه چیز را می‌بینند. بعثی‌ها کاملاً آماده بودند و همین که عملیات شروع شد در همان ساعت اولیه رزمندگان را به گلوله بستند.

> وقتی نیروها با انواع ماشین‌های مختلف مثل کامیون و اتوبوس به جبهه‌ها می‌رفتند آنها دیده‌بان داشتند و کاملاً ترددها را می‌دیدند. وضعیت تردد نیروها به گونه‌ای بود که جبهه‌های جنوب به سمت آبادان و بهمنشیر کاملاً ترافیک شده بود. وقتی شما این همه نیرو را به سمت آبادان و بهمنشیر اعزام می‌کنید دکل‌های دیده‌بانی عراق همه چیز را می‌بینند

انجام عملیات والفجر ۸ در سال ۱۳۶۴ چقدر در آمادگی دشمن تأثیر داشت؟

ما در عملیات سال ۱۳۶۴ در عملیات والفجر ۸ عراق را غافلگیر کردیم. عراق اصلاً در جریان انجام عملیات از سوی ایران نبود. در آن سال فرماندهان میدانی عراق در سمت بهمنشیر گزارش می‌دادند که ایرانی‌ها در بهمن ۱۳۶۴ در حال انجام تحرکاتی هستند و مثل اینکه قرار است کاری انجام دهند اما فرماندهان رده بالای ارتش بعث این موضوع را نمی‌پذیرفتند و می‌گفتند شما اشتباه می‌کنید و خبری نیست. عملیات که انجام شد و آنها غافلگیر شدند فهمیدند نباید چنین گزارش‌هایی را دست کم بگیرند و بی‌اهمیت از کنارشان رد شوند. هر کس که می‌خواهد این اعزام نیرو و عملیات کربلای ۴ را بررسی کند باید ماجرای مک‌فارلین را نیز بررسی نماید. وقتی ماجرای مک‌فارلین را بررسی کنید متوجه می‌شوید چرا عراقی‌ها در آن سال از تحرکات ما خبر نداشتند. چون امریکایی‌ها به دنبال نزدیک شدن به ایران بودند و اطلاعات ما را به عراقی‌ها نمی‌دادند. وقتی در آبان ۱۳۶۵ سیدمهدی هاشمی دستگیر شد عواملش ماجرای مک‌فارلین را در مجله‌ای لبنانی منتشر کردند و کمی بعد این اتفاق علنی شد و یک جنجال سیاسی بزرگ در امریکا به وجود آمد. پس از علنی شدن ماجرای مک‌فارلین خبرهایی آمد که برخی افسران امریکایی به عراق رفته‌اند و در حال همکاری اطلاعاتی با ارتش بعث هستند و عکس‌ها و اطلاعاتی از جبهه‌های ما به دشمن داده‌اند.

> پس از علنی شدن ماجرای مک‌فارلین خبرهایی آمد که برخی افسران امریکایی به عراق رفته‌اند و در حال همکاری اطلاعاتی با ارتش بعث هستند و عکس‌ها و اطلاعاتی از جبهه‌های ما به دشمن داده‌اند

پس دشمن از عملیات سال قبل درس و انجام عملیات توسط ایران را جدی گرفته بود؟

بله، دشمن قطعی می‌دانست که ما عملیات بزرگی را انجام خواهیم داد. گزارش‌های میدانی نشان می‌داد ایران تحرکاتی در شمال اروند دارد. گزارش‌های غیرمیدانی رسانه‌ها در داخل کشور از اعزام گسترده نیرو به جبهه‌های جنوبی خبر می‌داد و آنها می‌دیدند از نقاط مختلف کشور برای اعزام نیرو فعالیت می‌شود. همه اینها دست به دست هم داد تا دشمن مطمئن باشد ایران در زمستان ۱۳۶۵ یک عملیات بزرگ انجام می‌دهد. آنها می‌دانستند ایران عملیات سالانه‌اش را به زودی انجام خواهد داد چون دیگر فهمیده بودند ایران همیشه در زمستان یک عملیات بزرگ انجام می‌دهد. آنها پس از تجمع گسترده نیروها می‌گفتند زمان انجام این عملیات نزدیک است. عملیات کربلای ۴ را که ما انجام دادیم فکر کردند ما عملیاتمان را انجام داده‌ایم و دیگر تمام شده است. فکر نمی‌کردند ما چند روز بعد دومین عملیاتمان را انجام دهیم و در کربلای ۵ دشمن را غافلگیر کنیم. البته باید گفت برخی فرماندهان نگرانی‌هایی جهت انجام عملیات کربلای ۵ در شلمچه داشتند و به همین دلیل روزها آقای هاشمی به عنوان فرمانده جنگ در منطقه حضور داشت و با فرماندهان صحبت می‌کرد. البته زمانی که برای انجام عملیات والفجر ۸ و عبور از رودخانه عریض اروندرود برنامه‌ریزی می‌کردیم باز هم تعدادی از فرماندهان نگرانی داشتند و مخالف اجرای عملیات بودند. با این حال این عملیات انجام شد و با موفقیت همراه بود و منجر به فتح فاو شد. سال بعد که عملیات کربلای ۴ در جنوب اروندرود و با هدف رسیدن به بصره طراحی می‌شود با وجود تردیدها دیگر فرماندهان مخالفت نمی‌کنند اما وقتی عملیات موفق نمی‌شود برای ادامه عملیات کربلای ۴ مخالفت‌هایشان علنی می‌شود. وقتی فرماندهان با آقای هاشمی جلسات مختلف می‌گذارند، آنها مخالفتشان را ابراز می‌کنند. آقای هاشمی به عنوان هماهنگ‌کننده نیروها دست به کار می‌شود و ساعت‌ها در روز جلسه حضور دارند و در نهایت فرماندهان را به ضرورت عملیات کربلای ۵ و انجامش قانع می‌کند. یکی از ضرورت‌های انجام عملیات، درباره حضور این نیروها در منطقه بود. در نهایت همان نیروهایی که در منطقه حضور داشتند در کربلای ۵ وارد عمل شدند و دشمن را غافلگیر کردند.

یادکرد

شهید محمد حسینی نفر سمت راست

اخلاص و شجاعت شهید «علی‌اکبر محمدحسینی» از شهدای عملیات طریق‌القدس

آرزوی شهادت را از دعای مادر طلب می‌کرد

■ آرمان شریف

عملیات طریق‌القدس، دومین عملیات موفقیت‌آمیز ایران پس از عملیات ثامن‌الائمه(ع) به شمار می‌رود که با هدف آزادسازی بستان و ۷۰ روستای منطقه طراحی و اجرا شد. پیروزی در این عملیات به اندازه‌ای ارزشمند بود که امام(ره) آن را فتح الفتوح نامیدند. این عملیات در آذر ۱۳۶۰ به‌مدت هشت روز در مناطق دشت آزادگان، بُستان و سوسنگرد در استان خوزستان انجام و در آخر با پیروزی و فتح رزمندگان همراه شد. رزمندگان زیادی در این عملیات شرکت کردند و با جانفشانی و حماسه‌شان این پیروزی بزرگ را رقم زدند. شهید علی‌اکبر محمدحسینی، در جریان عملیات حضوری فعال داشت و در ۱۲ آذر ۱۳۶۰ در عملیات طریق‌القدس به شهادت می‌رسد و جزو شهدای شاخص این عملیات به شمار می‌رود.

■ روزه گرفتن فرمانده

با علنی شدن مبارزات مردم ایران علیه رژیم شاهنشاهی، شهید محمدحسینی از عناصر اصلی سازمان مبارزات و اعتصابات در کرمان بود و در حوادث ۲۴ مهر مسجد جامع کرمان و ۲۴ آذر مسجد امام (ره) حضور فعال داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی وارد کمیته انقلاب اسلامی شد و کمی بعد به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست. وی در آخرین روزهای سال ۱۳۵۸ همراه با عده‌ای دیگر عازم کامیاران شد و بعد از یک دوره نبرد با ضد انقلاب به سومار رفت و در عملیات ظهر روز عاشورای سال ۱۳۵۹ شرکت کرد. پس از آن به جبهه‌های جنوب عزیمت کرد، فرماندهی نیروهای کرمانی را به عهده گرفت و در عملیات‌های ثامن الائمه (ع) و طریق القدس، فرماندهی گردان حضرت ابوالفضل(ع) و لشکر ۴۱ ثارالله را به عهده داشت. با توجه به شرایط حاکم بر جبهه‌های جنگ و جابه‌جایی‌ها و نقل و انتقالات احتمالی، معمولاً رزمندگان نمی‌توانستند روزه بگیرند. با وجود این مشکلات، شهید محمدحسینی دائماً در جبهه روزه می‌گرفت. یک روز یکی از رزمندگان از او پرسید: «اکبر آقا چرا روزه می‌گیری؟!» و شهید پاسخ داد: «جیره غذایی چه کسی را بخورم؟ غذای جبهه حق مردم است، نمی‌توانم بخورم.»

■ دعا برای شهادت

شهید محمدحسینی در جبهه به «اکبر تی. ان. تی» معروف بود. چون او در خط مقدم تی.ان.تی‌ها را در سنگرهای عراقی جاسازی و منفجر می‌کرد و وسایل و تجهیزات درون سنگر را به غنیمت می‌گرفت. علی‌اکبر قلباً می‌خواست که شهید شود و هروقت به کرمان می‌آمد، به مادرش می‌گفت: «چرا برایم دعا نمی‌کنی که من شهید شوم» و مادر نیز در جوابش می‌گفت: «شما برو هرچه خداوند بخواهد همان می‌شود.» شهید در نامه‌هایی که برای خانواده می‌نوشت بارها بر موضوع شهادتش تأکید می‌کرد و به برادرانش می‌گفت که «مواظب مادر باشید.» تکرار این حرف‌ها از سوی علی‌اکبر سبب شده بود تا خانواده، خودشان را برای شهادت او آماده کنند و منتظر روزی بمانند که خبر شهادت عزیزشان را بشنوند.

■ دلتنگ دوست

خواهر شهید خاطره آخرین اعزام برادرش را اینگونه روایت می‌کند: «چند روز از مراسم تشییع و به خاکسپاری محمود اخلاقی گذشته بود که اکبر به خانه ما آمد. آماده سفر بود. پرسیدم کجا؟! قصد مسافرت دارید؟ گفت اگر خدا قبول کند، به سوی جبهه می‌روم. هنگام خداحافظی وقتی از زیر قرآن می‌گذشت، آه کشید. آن روز حال عجیبی داشت طوری که طاقت نیاوردم و پرسیدم آیا می‌خواهید نزد محمود بروید؟ دوباره آه کشید و پاسخ داد اگر لیاقت داشته باشم ان‌شاءالله می‌روم. قرآن را بوسید، آن را به دست من داد و گفت برایم دعا کنید تا به محمود ملحق شوم. سرانجام علی‌اکبر در ۱۲ آذر ۱۳۵۹ در چهارمین روز عملیات طریق القدس (فتح بستان) از ناحیه پا مجروح شد، اما درحالی که می‌توانست جان خود را نجات دهد برای حفظ روحیه نیروهای تحت امرش در منطقه نبرد ماند و سرانجام زیر پل سابله مظلومانه به شهادت رسید. شهید محمدحسینی در وصیتنامه خود چنین نوشته است: «به تمامی برادران عزیز می‌گویم که کشته در راه خدا عزادار نمی‌خواهد بلکه پیرو راه می‌خواهد.»

> علی‌اکبر قلباً می‌خواست شهید شود و هروقت به کرمان می‌آمد، به مادرش می‌گفت: «چرا برایم دعا نمی‌کنی که من شهید شوم» و مادر نیز در جوابش می‌گفت: «شما برو هرچه خداوند بخواهد همان می‌شود.»

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۳۶۳

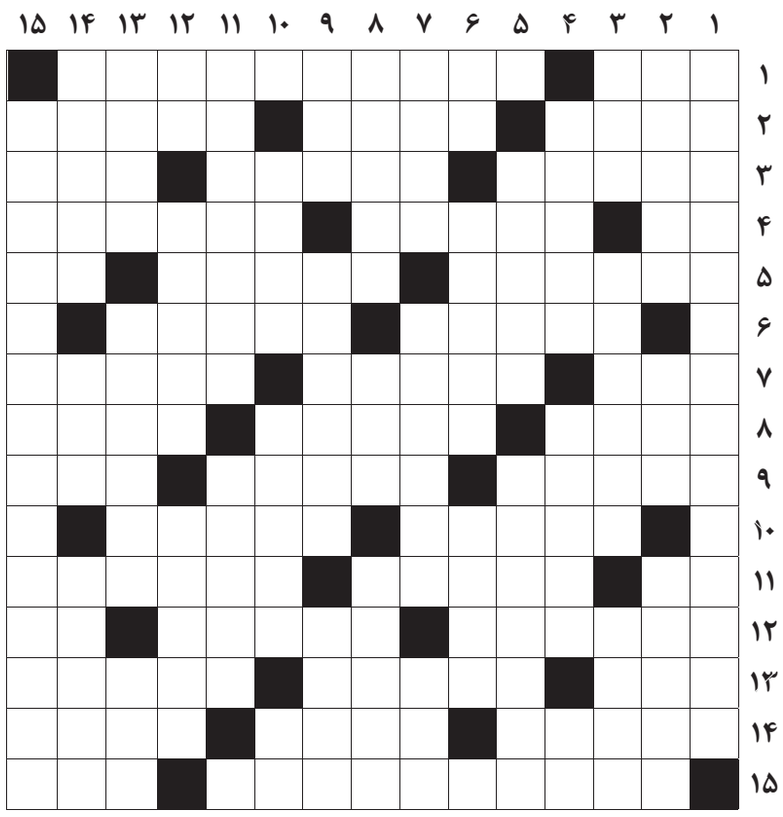

از راست به چپ

■ ۱- گلگون و قرمز- حرفه‌اش ساخت و فروش خانه است ■ ۲- پیامبر صبور- از پرندگان- سلف سیمان ■ ۳- سپاسگزار- نام سه موضع در مکه- رنگ طبیعت ■ ۴- تصدیق فرانسوی- یار فرهاد- خناق ■ ۵- رمز عملیات بدر و فتح‌المبین- آسمانی- خیس ■ ۶- صدای افتادن سکه- هریک از قسمت های فیلم مربوط به یک صحنه ■ ۷- پنهانی- رفتن به مشاهد متبرکه- حرف یازدهم یونانی ■ ۸- ستارگان- صحرایی در امریکا- شهری در فرانسه ■ ۹- علف خوردن حیوان- باب روز- اجازه، رخصت ■ ۱۰- هلیم- روزنامه ورزشی چاپ اسپانیا ■ ۱۱- سطح دست- الگو- مشهور ■ ۱۲- مادر حضرت موسی- غیر مذهبی- گشوده ■ ۱۳- به‌جز- جزیره زمان- عنصر فلزی، کمیاب، نرم، و مورد استفاده در شیشه‌سازی و تجهیزات الکترونیکی ■ ۱۴- خباز- دروازه بدن- بهترین گلزن تاریخ فوتبال انگلیس ■ ۱۵- سرزمین بین رود جیحون و سیحون که به مدت پنج قرن مهد تمدن اسلامی ایران بود- بُرنده

از بالا به پایین

■ ۱- کارگردان عقاب‌ها ■ ۲- علم طلسمات- مرتجع فلزی- تیمی در فوتبال انگلیس ■ ۳- از نجاسات- ماده ژلاتینی حفره چشم- کودن ■ ۴- شهر هسته‌ای کشورمان- از واکسن‌های کرونا- رودی در چین ■ ۵- شهری در استان یزد- قطعی برای سکه ■ ۶- پسوند شباهت- شلوار و نوعی زره- لمس کردن ■ ۷- خواهر- خیش- سائل ■ ۸- مخترع کوره ذوب آهن- خس خس- حیوانی افسانه‌های با زهری کشنده ■ ۹- هست آذری- پایدار- پایتخت اردن ■ ۱۰- جزیره- از شهدای مؤتلفه- عدد منفی ■ ۱۱- جشنواره- کاردانی ■ ۱۲- علامت مفعول- بازی نهایی- متضاد پرکار ■ ۱۳- واحد طول روسی- نام قدیم مشهد- کویری در ایران ■ ۱۴- آهنگساز مشهور اتریشی- قله زاگرس- سید شهیدان اهل قلم ■ ۱۵- اثر ژول ورن، نویسنده فرانسوی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۱					۳
۲					۴			۱
۸					۵			۷
	۴			۶		۲		
	۵			۱		۸	۶	
	۷			۸				
		۹					۴	
		۵					۱	
			۶		۸		۵	

جدول کلمات متقاطع
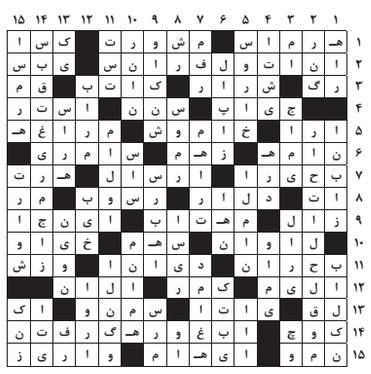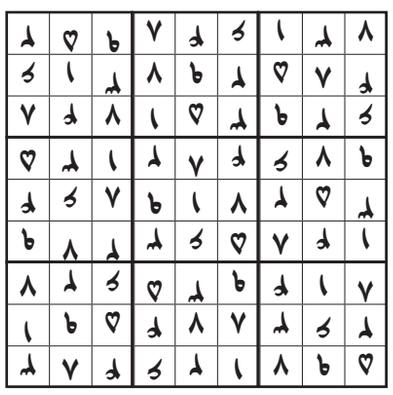
پاسخ جدول شماره ۶۳۶۲